

نقش مبلمان در انعطاف پذیری فضای داخلی مسکن

مریم دربندی

کارشناسی ارشد معماری داخلی دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

مقدمه

انعطاف پذیری در طراحی معماری و معماری داخلی به عنوان رویکردی برای پاسخ به عملکردهای مختلف فضا و فعالیت های گوناگون استفاده کنندگان از آن کاربرد بسیاری دارد. به کمک این رویکرد می توان در سطوح مختلف طراحی ساختمان، از معماری تا مبلمان اقدام به آفرینش راه حل هایی برای بهینه سازی فضا نمود.

بنتلی^[۲] برای تبیین مفهوم انعطاف پذیری، به کیفیتی وابسته به ابعاد توانمندی های^[۳] محیطی پاسخ دهنده به استفاده های مختلف سازگار با نیازهای مردم تأکید می کند. چنین کیفیتی سبب می شود که مکان ها بتوانند برای منظوره های متنوعی به کار آیند و حق انتخاب بیشتری به کاربران بدهند (بنتلی، ۱۵، ۱۳۸۲). «انعطاف پذیری، به قابلیت تغییر در اشیا و اجسام گفته می شود. در معماری و طراحی محیط، منظور از این واژه، انعطاف پذیری فضایی و سازماندهی فضای انسان ساخت و تغییر در آن برای دستیابی به شرایط، نیازها و کاربست های جدید است.» (عینی فر، ۶۶، ۱۳۸۲) در تعریف دیگری، انعطاف پذیری به مفهوم «کنترل پروسه تغییر» دانسته شده است (Abel، 2000).

چکیده

انعطاف پذیری مفهومی کاربردی برای استفاده بهینه از فضاهای داخلی مسکونی است. تغییرات زندگی و تمایلات انسانی، نیازهای اجرایی از قبیل نیاز به تقویت رابطه طراح-کاربر و هم چنین دگرگونی شیوه زندگی در طول زمان، از دلایل عمده توجه به این مفهوم است. هدف این پژوهش^[۱] ارائه راهکارهایی برای تأمین انعطاف پذیری در مسکن به منظور بهبود ارتقاء کیفیت فضاهای زندگی در مقیاس معماری داخلی است. به همین منظور یکی از عناصر مهم در معماری داخلی که مبلمان می باشد، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش پس از تبیین و توصیف جایگاه انعطاف پذیری و تعاریف و مفاهیم وابسته به آن، به اهمیت نقش مبلمان در معماری داخلی پرداخته شده است و روش های دستیابی به انعطاف پذیری توسط مبلمان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است و در آخر راهکارهایی با ذکر مثال های تصاویری برای هر یک از روش ها ارائه شده است. نتایج این تحلیل می تواند راهنمایی برای "بهبود کیفیت طراحی" و ارتقای کیفی فضاهای داخلی مسکونی، باشد.

۱- این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده تحت عنوان "معماری داخلی مسکن انعطاف پذیر در مقیاس کوچک" به راهنمایی آقای دکتر علیرضا عینی فرو آقای دکتر حمیدرضا انصاری می باشد.

2- Ian Bentley

3- Robustness





تصویر شماره ۱: استفاده از چرخه منظور تحرک آسان در فضا منبع: www.houzz.com

به تحلیل و بررسی سه روش پرداخته می شود:

- امکان تحرک آسان در فضا
- امکان تغییر شکل و عملکرد
- امکان ترکیب و تفکیک شدن

امکان تحرک آسان در فضا

شاید ساده ترین راه برای استفاده چند منظوره از مبلمان این باشد که در زمان مصرف امکان تحرک آسان آن وجود داشته باشد. توسط چنین مبلمانی می توان در فضاهای مختلف یک خانه به فعالیت های مختلفی پاسخ داد. و هم چنین در مواقعی که نیازی به آن نمی باشد با کنار بردن آن، امکان کاربری دیگری در فضا را میسر کرد (تصویر شماره ۱).

به عنوان مثال در این روش می توان به سادگی در روز تخت های اتاق

یکی از مهم ترین فضاهای معماری نیازمند انعطاف پذیری، فضاهای مسکونی است. با توجه به میزان مداخله قابل انجام در داخل یا خارج واحدهای مسکونی و نیز مقدار تغییراتی که در کل یا جزئیات آن داده می شود، می توان تعاریف متفاوتی از یک مسکن انعطاف پذیر ارائه نمود. در تعریف کلی، مسکن انعطاف پذیر فضایی است که به تمامی نیازهای ساکنان خود به صورت بالفعل پاسخ داده و نیز قابلیت پاسخ دهی به نیازهای آتی و گاه غیر قابل پیش بینی را نیز دارد. با توجه به قابلیت ها و راه حل های متفاوتی که در یک واحد مسکونی برای پاسخ دهی به نیازها و خواسته های ساکنان فعلی و آتی خانه گنجانده می شود، میزان انعطاف پذیری نیز متفاوت خواهد بود (عینی فر، ۱۳۸۲: ۶۴).

در موضوع انعطاف پذیری، دو مفهوم متفاوت تغییر پذیری و تطبیق پذیری قابل تشخیص است که گاه به جای یکدیگر استفاده می شوند. تفاوت این دو مفهوم را می توان وابسته به میزان تغییراتی دانست که افراد ساکن در یک فضا می توانند در آن ایجاد نمایند. در خانه تطبیق پذیر برای اعمال تغییرات، با جابجایی مبلمان، مداخله ای اندک امکان پذیر است، در حالی که خانه تغییر پذیر آماده پذیرش مداخلاتی است که دگرگونی قابل توجهی را در یک ساختمان مسکونی ایجاد می کند. به بیان دیگر تطبیق پذیری، در انعطاف پذیری عملکردی و عملکردی-فضایی خلاصه می شود؛ در حالی که تغییر پذیری، واجد انعطاف پذیری ساختاری و ساختاری-فضایی است. طراحی های تطبیق پذیر، پذیرای تغییرات فیزیکی قابل توجهی نیستند. در این شیوه، مساحت واحد مسکونی ثابت نگاه داشته شده و تمامی تغییرات بدون تغییر در فضاهای با ساخت ثابت انجام می شود (Friedman, 2002).

طراحی هدفدار مبلمان و دقت در نحوه به کارگیری آن ها، می تواند در بهینه سازی تمام فضاها، بالخصوص فضاهای مسکونی تأثیر بسیار زیادی داشته باشد. بایستی به این نکته توجه شود که صنعت مبلمان سازی باید از الگو برداری صرف و بدون تفکر از مجلات و ژورنال های خارجی قدمی فراتر گذارد. سپردن این امر مهم به افرادی که از طراحی متناسب با ارگونومی انسانی و همچنین استفاده مناسب از فضا اطلاع چندانی ندارند باعث می شود که آن ها تنها ظاهر تولیدات خود را با عکس های مشابه در مجلات خارجی همسان نمایند. نتیجه این نوع ساخت و ساز، مبلمان های معمول موجود در بازار کشورمان است؛ مبلمانی غیر راحت، حجیم، سنگین و مزاحم. این مشکل در سال های اخیر با کوچک شدن سطح واحدهای مسکونی بیشتر نمایان شده و طراحان را به ابداع راه کارهای کارا، عملی و در عین حال سریع وا داشته است. در ادامه بحث، نشان داده می شود که با کمی تفکر و استفاده از امکانات ساده می توان مبلمانی به وجود آورد که علاوه بر تأمین سلامت جسمی و روانی افراد امکان استفاده چندگانه از فضاهای سکونتی را نیز فراهم نمایند (لطیفی، ۱۳۹۰). به طور کلی مبلمان به چند طریق می توانند در کاهش سطح مسکن و استفاده چند گانه از فضا مؤثر باشند که نتیجه آن انعطاف پذیری واحد مسکونی است. در این جا



تصویر شماره ۲: استفاده از چرخ در مبلمان به منظور تحرک آسان در فضا، منبع: www.spk-indina.ru/oranzhevyj-czvet-v-interere.html

تمهیداتی پیش‌بینی می‌گردد که امکان جمع شدن یا باز شدن را به آن می‌دهد و اساس کار نیز بر مبنای همین جمع و باز شدن است زیرا در حالت بسته کمترین سطح را به خود اختصاص می‌دهند. در واقع سر هم‌بندی و سوار کردن قابلیت است که اینگونه مبلمان بایستی دارا باشند (تصویر شماره ۳).

این نوع اثاثیه به چند صورت تولید می‌شوند (لطیفی، ۱۳۹۰):
اول: در هنگام جمع بودن کاملاً از فضا حذف شده و وجودشان احساس نمی‌شود.

خواب را به کناری کشید و فضای مناسب بازی کودکان را در وسط اتاق ایجاد نمود و در شب تخت‌ها را دوباره به حالت مناسب اولیه بازگرداند. این کار حتی می‌تواند توسط خود کودکان انجام پذیرد (لطیفی، ۱۳۹۰) (تصویر شماره ۲).

امکان تغییر شکل و عملکرد

در این روش، طراحی مبلمان مبنی بر امکان تغییر شکل و تبدیل به عناصری چندگانه است. به طوری که توسط این روش مبلمان می‌توانند پاسخگوی فعالیت‌های متفاوتی باشند. در این دسته از مبلمان



تصویر شماره ۳: طراحی مبلمان با قابلیت سر هم‌بندی شدن و انجام چند عملکرد متفاوت، منبع: www.ticoandtina.com





تصویر شماره ۶: میز مقابل مبلمان به گونه ای طراحی شده است که قابلیت تبدیل به میز غذاخوری را دارد، منبع: www.hydra.azilian.ten



تصویر شماره ۷: میز مقابل مبلمان با قابلیت های متفاوت، منبع: www.interiery.cz

می شوند به شکل کامل درآمده و کارایی خود را انجام می دهند و در هنگام جمع شدن عملکردی ندارند. این عناصر در هنگام باز و بسته شدن از سازه خود استفاده می کنند و خودایستا هستند. به همین علت در تمام نقاط فضا قابل استفاده هستند. از نمونه های این نوع طراحی امروزه نیز در خانه های ما به وفور یافت می شود، صندلی های تاشو یا میزهای تاشو، میزهای جمع شونده درهم، میز اتو و... از این نوع هستند (تصویر شماره ۸).



تصویر شماره ۸: نمایش مبلمان منعطف با قابلیت باز و بسته شدن، منبع: www.ududdulu.link



تصویر شماره ۴: مبلمان اتاق خواب با قابلیت جمع شدن و باز شدن، منبع: www.sortradecor.com



تصویر شماره ۵: قابلیت جمع شدن و باز شدن بخش هایی از کانتر آشپزخانه و تبدیل به میز کار، منبع: www.gearpatrol.com

دوم: در هنگام جمع شدن حداقل حجم ممکن را داشته اما نیاز به نگهداری در مکانی مناسب دارند.

سوم: در دو حالت جمع و باز دارای کاربری تعریف شده هستند.

نوع اول: معمولاً این نوع از مبلمان در هنگام جمع شدن هیچ کاربری ندارند و علاوه بر این برای جمع شدن و باز شدن به عنصری دیگر تکیه می نمایند. عناصری که از دیوارها بیرون می آیند و سپس به جای خود باز می گردند، صفحاتی که از بین کابینت های آشپزخانه خارج شده و پس از مصرف به شکل اولیه خود در می آیند و مثال هایی از این قبیل از این نوع به حساب می آیند. تمام این عناصر در هنگام استفاده باز شده و پس از مصرف به سادگی به جای خود بازگشته و سطحی را از فضا اشغال نمی نمایند. بزرگترین مشکل این نوع مبلمان ثابت بودن عناصر متحرک در مکان خود و عدم امکان جابجایی آنها می باشد (لطیفی، ۱۳۹۰). به عنوان مثال در تخت های تاشو امکان تغییر مکان تخت وجود ندارد (تصاویر شماره ۴ الی ۷).

نوع دوم: این دسته از مبلمان به گونه ای طراحی می شوند که وقتی باز



تصویر شماره ۹: تخت اتاقی در موقع جمع شدن امکان استفاده به عنوان میز کار را دارا باشد، منبع: www.peerflix.com

ویژگی موجب ایجاد فضایی بزرگتر به ازای استفاده از فضای مورد نیاز هر عملکرد می‌شود (تصویر شماره ۱۰). در واقع با ایجاد فضاهایی که به چندین عملکرد پاسخ می‌دهند، کارایی فضای داخلی بیشتر می‌شود. برای مثال، فضای آشپزخانه در بعضی از خانه‌ها استفاده‌ای فراتر از فقط پخت و پز دارد. خانواده‌ها وعده‌های غذایی را در کنار یکدیگر از آشپزخانه میل می‌کنند و در بیشتر مواقع گردهم جمع شدن و صحبت کردن اعضای خانواده در آشپزخانه انجام می‌شود. در این موارد آشپزخانه یک مکان معاشرتی غیر رسمی می‌شود و بیشتر از فضاهای رسمی نشیمن، برای فعالیت‌های روزمره زندگی استفاده می‌شود. در مقابل برای بعضی از مردم، این فضا بدون استفاده و موجب اتلاف

نوع سوم: این نوع از مبلمان به گونه‌ای طراحی و ساخته می‌شوند که چه در شرایط جمع و چه در شرایط باز، کاربردی مناسب را به عهده گیرند. به عنوان مثال یک مبل به گونه‌ای ساخته شود که بعد از باز شدن به تخت تبدیل شده، یا یک کمد بعد از باز شدن به میز تحریر تبدیل گردد. همانگونه که مشخص است این عناصر در تمام حالات وظیفه‌ای تعریف شده را بر عهده می‌گیرند. بنابراین این گونه مبلمان چندعملکردی می‌باشند (تصویر شماره ۹).

امکان ترکیب و تفکیک شدن

هدف از ترکیب‌پذیری ایجاد فضایی چند عملکردی بیشتر می‌باشد. این



تصویر شماره ۱۰: مبلمان چندمنظوره، منبع: www.egitimdeaustralya.com



تصویر شماره ۱۰: مبلمان چندمنظوره، منبع: <http://dornob.com>





تصویر شماره ۱۲: طراحی مبلمان با قابلیت ترکیب شدن، منبع: www.livinginashoebox.com

انعطاف پذیر آن‌ها شرح داده شد. این تحقیق می‌تواند پیش‌زمینه‌ای برای تحقیقات بیشتر در زمینه معماری انعطاف پذیر در مقیاس معماری داخلی باشد. ■

انرژی و مصالح ساختمانی به نظر می‌رسد (Kate, Votava:39, 2006) بنابراین ترکیب کردن کاربری‌های مختلف، روشی برای صرفه جویی در فضای داخلی مسکن است که توسط مبلمان ترکیب پذیر، امکان پذیر می‌باشد (تصویر شماره ۱۰).

علاوه بر این سبک ساختن مبلمان نیز می‌تواند امکان جابجایی راحت و یا ایجاد ترکیبات دلخواه را ممکن سازد. در تصاویر شماره ۱۱ و ۱۲، طراحی مبلمان به گونه‌ای است که امکان ایجاد شرایط و فرم‌های گوناگون را با توجه به نیاز فراهم می‌کند. همانگونه که مشخص است مبلمان به صورت پازل‌هایی از مصالح سبک در نظر گرفته شده که به سادگی و به هر شکلی می‌توانند روی زمین و یا روی هم قرار گیرند.

نتیجه گیری

در این مقاله سعی بر آن شد که با ارائه روش‌های طراحی مبلمان انعطاف پذیر کمک به خلق ایده‌های انعطاف پذیری و استفاده بهینه از فضای مسکن می‌شود. با کمک مبلمان انعطاف پذیر امکان پاسخگویی به نیازهای متعدد و مختلف ساکنان در فضای محدود ایجاد می‌شود. مبلمان متحرک، مبلمان قابل تغییر و مبلمان ترکیب پذیر سه دسته عمده مبلمان انعطاف پذیر می‌باشند که با ذکر مثال نحوه‌ساز و کار

منابع

- ۱- بنتلی، آی، الین، آلن الکک، یال مورین، سومک گلین و گراهام اسمیت، (۱۳۸۲)، محیط‌های پاسخده، ترجمه مصطفی بهزادفر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۲- دربنندی، مریم (۱۳۹۲)، معماری داخلی مسکن انعطاف پذیر در مقیاس کوچک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری، دانشگاه تهران.
- ۳- عینی فر، علیرضا (۱۳۸۲)، "الگوی برای تحلیل انعطاف پذیری در مسکن سنتی ایران"، هنرهای زیبا، شماره ۱۳، ۶۴-۷۷.
- ۴- لطیفی، مریم، طراحی واحد مسکونی انعطاف پذیر، ۱۳۹۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری داخلی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر تهران
- 5- Abel, Chris, (2000), Architecture and Identity, Second Edition, Architectural Press, London.
- 6- Friedman, Avi, (2002), the Adaptable House :Designing Homes for Change. New York: McGraw-Hill Publishing.
- 7- Votava, Kate, (2006), Evolve House :Flexible Dwelling for the Postmodern Consumer Culture, University of Cincinnati.



تصویر شماره ۱۱: طراحی مبلمان با قابلیت ترکیب شدن، منبع: www.droold.com